

Legal Dimensions of Hate Speech in Cyberspace Against Women's Status in the Family

Fatemeh Sadat hosseini¹
Nafise Shamloo Kazemi²

Abstract

The family is the first social institution that humans enter, and despite its seemingly simple concept, it involves complex relationships. Protecting the family structure fosters the emotional development of its members and ultimately contributes to societal progress. Therefore, safeguarding the foundation of the family and strengthening its internal relationships should always be a priority for various governmental sectors. With technological advancements and the expansion of cyberspace, despite their positive impacts, new grounds for violating individual rights-including within the family-have emerged. For instance, the dissemination of hate speech regarding women's gender and their roles within the family in virtual spaces has led to feelings of frustration and resentment among women. Consequently, societal perspectives on the value of roles such as wifehood and motherhood have diminished, ultimately leading to family disintegration and, in the long run, social fragmentation. Given this, it is essential to examine the legal dimensions of hate speech in cyberspace targeting women's roles and status, in order to identify legal requirements and legislative necessities and to maximize the use of the existing legal framework to protect this vulnerable group. This study employs a descriptive-analytical method to investigate hate speech against women's familial roles and aims to analyze the Iranian legal system's approach to addressing this issue. It appears that adopting legal measures to prohibit hate speech-such as regulatory frameworks, content filtering, preventive legislation, and the criminalization of hate-driven behaviors-along with utilizing civil liability mechanisms, can serve as effective strategies in this regard.

Keywords: Hate Speech, Women, Cyberspace, Violence, Criminalization, Family, Moral Damage.

1- Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Welfare, Tehran, Iran
hosseini@refah.ac.ir

2- PhD Student, Women's Studies Majoring in Family Law, Tehran, Iran
nafiseshamloo71@yahoo.com

ابعاد حقوقی نفرت‌پراکنی در فضای مجازی علیه جایگاه زنان در خانواده*

نوع مقاله: پژوهشی

فاطمه سادات حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۴

نفسه شاملو کاظمی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

چکیده

خانواده اولین اجتماعی است که بشر در آن پای نهاده و علی‌رغم مفهوم ساده آن دارای روابط پیچیده‌ای است که حفاظت از آن منجر به رشد احساسات فردی اعضاء و در نهایت موجب پیشرفت جامعه خواهد شد. به همین دلیل حفظ بنیان خانواده و تحکیم روابط اعضای آن پیوسته باید مورد توجه بخش‌های مختلف حکومت قرار گیرد. امروزه پیشرفت فناوری، ایجاد و توسعه فضای مجازی علی‌رغم آثار مثبت، زمینه‌هایی برای نقض حقوق افراد حتی در محیط خانواده ایجاد کرده است؛ برای مثال انتشار سخنان نفرت‌آمیز راجع به جنسیت زنان و نقش‌های ایشان در خانواده در فضای مجازی منجر به احساس ناکامی و انزجار در بانوان شده است. بدین ترتیب دیدگاه افراد، نسبت به ارزش‌های نقش‌هایی همچون همسری و مادری تنزل یافته و موجب فروپاشی خانواده و در نهایت منجر به ازهم‌گسیختگی جامعه خواهد شد. از این رو لازم است ابعاد حقوقی نفرت‌پراکنی در فضای مجازی علیه نقش و جایگاه زنان مورد مطالعه قرار گیرد تا الزامات حقوقی و بایسته‌های قانون‌گذاری مطرح شده و از ظرفیت موجود نظام حقوقی بیشترین استفاده برای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر صورت پذیرد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، موضوع نفرت‌پراکنی علیه نقش‌های خانوادگی زنان، مطالعه و تلاش شده است وضعیت نظام حقوقی ایران در مواجهه با این آسیب تبیین گردد. به نظر می‌رسد به‌کارگیری تدابیر حقوقی در راستای ممنوعیت نفرت‌پراکنی از جمله تنظیم‌گری، فیلترینگ و وضع قوانین پیشگیرانه و همچنین جرم‌انگاری رفتارهای نفرت‌آمیز و در نهایت استفاده از ظرفیت مسئولیت مدنی روش‌های مناسبی باشند.

واژگان کلیدی

نفرت‌پراکنی، زن، فضای مجازی، خشونت، جرم‌انگاری، خانواده، خسارت معنوی.

hosseini@refah.ac.ir

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده رفاه، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گرایش حقوق خانواده، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران

nafisheshamloo71@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان، ابعاد حقوقی نفرت‌پراکنی علیه زنان در فضای مجازی با تأکید بر خانواده، می‌باشد.

مقدمه

آزادی بیان به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، به افراد اجازه می‌دهد تا دیدگاه‌ها، نظرها و باورهای خود را بدون ترس از مداخله یا مجازات ابراز کنند (انصاری، ۱۴۰۰، صص. ۱۷-۱۸).
با این حال، این حق با چالش‌هایی روبروست که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله نفرت‌پراکنی است. نفرت‌پراکنی شامل گفتاری است که فرد یا گروهی را به دلیل ویژگی‌هایی نظیر نژاد، دین، قومیت، ملیت، جنسیت، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی مورد حمله قرار می‌دهد و به بروز خشونت و افزایش تعصبات اجتماعی می‌انجامد و حوزه‌هایی همچون حکومت، اجتماع، سیاست و از همه مهم‌تر خانواده را متأثر می‌کند (مقیمی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۰).
اهمیت جایگاه زنان و نقش آنان در اجتماع و خانواده بررسی حقوقی ابعاد این موضوع را ضروری می‌نماید، به‌ویژه با عنایت به تأثیرات مخرب انتشار سخنان نفرت‌زا علیه ایشان در فضای مجازی که همزمان با توسعه روزافزون خود، اندیشه حاکم و فرهنگ درهم‌آمیخته با آن را نیز منتشر کرده و بیشترین تأثیر را بر خانواده می‌گذارد، اهمیت موضوع مضاعف است (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۸۲).

پرسش اصلی چگونگی واکنش و نظارت نظام حقوقی به این مسئله است. پیرامون موضوع مذکور پژوهش‌های محترمی در حوزه نفرت‌پراکنی انجام شده است:

«مقابله با نفرت‌پراکنی در نظام‌های حقوقی هند و پاکستان و ایران» (ملائی و عباسی، ۱۳۹۹).
این پژوهش با هدف بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکردهای قانونی در این سه کشور، چهارچوب‌های حقوقی و سیاست‌های مقابله با نفرت‌پراکنی را تحلیل و نقاط ضعف و قوت هر نظام حقوقی را برجسته می‌نماید.

«نفرت‌پراکنی جنسیتی آنلاین در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: زن‌ستیزی کاربران ایرانی شبکه توئیتر)» (تقی‌آبادی و تقی‌آبادی، ۱۴۰۰). مقاله به‌طور خاص به بررسی نحوه ابراز زن‌ستیزی و گفتارهای نفرت‌آمیز علیه زنان در سکوی توئیتر پرداخته و به تحلیل الگوهای رفتاری کاربران در تولید و انتشار محتوای جنسیتی پرداخته است.

«تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد سه‌گانه نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام» (مقیمی؛ خانیکی و سلطانی، ۱۴۰۱). پژوهش فوق به‌طور جامع به ابعاد گفتمان نفرت‌پراکنی میان زنان

در اینستاگرام می‌پردازد و با تحلیل انتقادی این رفتارها، نقش فرهنگ، اجتماع و سکو را در تقویت یا کاهش این پدیده بررسی می‌کند.

با وجود این آثار ارزشمند، تا به امروز مطالعه نفرت‌پراکنی علیه نقش‌های خانوادگی زنان در حوزه حقوقی و سایبری به‌طور اختصاصی انجام نگرفته است؛ به‌عنوان مثال در فضای مجازی، نفرت‌پراکنی علیه زنان در قالب‌های مختلف به‌شدت مشهود است، به‌ویژه زمانی که به نقش زنان در خانواده پرداخته می‌شود؛ به‌طور مثال، برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر و اینستاگرام به‌طور مستمر مادرانی را که تعداد زیادی فرزند دارند، مورد تمسخر قرار می‌دهند و آنها را به عدم موفقیت در زندگی حرفه‌ای و اجتماعی متهم می‌کنند. در چنین پست‌هایی، با اشاره به مشکلات مادرانه، مانند فدا شدن برای خانواده، زنان را افرادی نمایش می‌دهند که انتخاب‌های فردی و حرفه‌ای ندارند. علاوه‌براین، گاهی اوقات در این فضاها زنان به دلیل جنسیت خود و نقش‌های اجتماعی‌شان در خانواده به‌ویژه در مورد ازدواج، به‌شدت تحت فشار قرار می‌گیرند؛ برای مثال، برخی پست‌ها به دختران هشدار می‌دهند که ازدواج و مادر شدن باعث محدود شدن آزادی‌های فردی‌شان می‌شود و حتی آنها را به‌عنوان کسانی که به دام افتاده‌اند و آینده‌شان محدود شده است، به نمایش می‌گذارند. این نوع پیام‌ها در فضای مجازی به ترویج دیدگاه‌های منفی در خصوص جایگاه زنان در خانواده می‌پردازد و تأثیرات منفی بر روان‌شناسی زنان و حتی تصمیماتشان در آینده خواهد گذاشت.

از این رو به نظر می‌رسد رویکرد موجود نظام حقوقی به این مسئله، باید مورد مطالعه قرار گیرد. بر همین اساس موضوع در چند بخش بررسی می‌شود: ابتدا به مفهوم‌شناسی نفرت‌پراکنی پرداخته می‌شود، سپس مبانی حقوقی و قانونی مرتبط بررسی و در ادامه راهبردهای حقوقی پیشگیری از نفرت‌پراکنی علیه نقش زنان در خانواده و راهبردهای حکومتی در این زمینه مطرح خواهد شد.

۲- مفهوم‌شناسی

به منظور تحلیل دقیق‌تر نفرت‌پراکنی و ابعاد حقوقی آن در فضای مجازی، مفاهیم

«نفرت‌پراکنی» و «فضای مجازی» به شرح زیر بررسی می‌شوند.

۱-۱. نفرت‌پراکنی

نفرت‌پراکنی به‌طور خاص به رفتارها یا گفتارهایی اطلاق می‌شود که در آن فرد یا گروهی به دلیل ویژگی‌هایی مانند جنسیت، نژاد، مذهب، قومیت یا گرایش‌های فکری، هدف حمله، تهدید یا تحریک به خشونت قرار می‌گیرند. این نوع بیانات یا اقدامات معمولاً هدفشان ترویج تبعیض، خصومت یا خشونت علیه گروه‌های خاص است. نفرت با موجی از دگرسازی و دگرهراسی همراه هست و گفتاری است که شخص یا گروهی را بر اساس ویژگی‌هایی نظیر نژاد، جنسیت، دین، قومیت، ملیت، جنسیت، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی مورد حمله قرار می‌دهد. سخنان نفرت‌زا علی‌رغم اینکه هرگز قابلیت پذیرش در میان مردم و جامعه را نداشته، انسان‌ها را بدنام و از افراد، انسانیت‌زدایی کرده و در نهایت به اعمال خشونت‌آمیز علیه آنها منجر می‌شود (مقیبی؛ خانیکی و سلطانی، ۱۴۰۱، صص. ۱۹۹-۲۰۰). نفرت‌پراکنی در ادبیات حقوقی با عناوینی همچون وهن و اهانت، اشمئزاز یا ایجاد تنفر و خشونت بررسی می‌شود؛ لکن به‌طور کلی این واژه هیچ تعریف کامل واضح و دقیقی نداشته و در هیچ سند حقوقی بین‌المللی الزام‌آور تصریح نشده و دیوان اروپایی حقوق بشر منحصراً در رویه خود بیشتر با این مفهوم سروکار داشته است (سودمندی و مستقیمی قمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۲).

در اسناد بین‌المللی، مانند ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، این تمایز به‌طور واضح بیان شده است: «هرگونه تبلیغ برای جنگ باید به موجب قانون ممنوع شود. هرگونه دعوت به نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که متضمن تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت باشد باید توسط قانون ممنوع گردد».

بنابراین، تمایز میان «بیان آزاد» و «بیان موجد تحریک» در اسناد بین‌المللی حقوق بشر صراحت دارد و نفرت‌پراکنی زمانی مشمول محدودیت‌های قانونی می‌شود که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در برانگیختن خشونت یا تبعیض ایفای نقش کند (انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۵)؛ بنابراین این نفرت‌پراکنی زمانی که منجر به تحریک به خشونت یا تبعیض علیه افراد یا گروه‌ها گردد، ممنوع می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، صرف ابراز احساسات منفی یا بروز متعارف آنها جرم‌انگاری نمی‌شود بلکه زمانی که این احساسات به شیوه غیرمتعارف و مخرب ابراز شوند

که موجب ترویج خشونت یا آسیب به حقوق دیگران گردد، قابل مجازات است. در فضای مجازی، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا امکان انتشار سریع و وسیع محتواهای حاوی نفرت وجود دارد و این محتواها می‌توانند تأثیرات منفی گسترده‌ای بر گروه‌های خاص، از جمله زنان، داشته باشند؛ بنابراین در این مقاله، تمرکز بر انواع نفرت‌پراکنی‌هایی است که با استفاده از ابزارهای فضای مجازی به ترویج خشونت کلامی، روانی یا حتی فیزیکی علیه زنان در بستر خانواده و جامعه منجر می‌شود.

۱-۲. خشونت

«در معنای خشونت و تعریف آن بین صاحب‌نظران توافقی وجود ندارد؛ بنابراین در ارائه تعریفی از این مقوله، مشکلی اساسی وجود دارد، با این همه می‌توان گفت که در این تعریف، اجماعی نسبی وجود دارد که برحسب آن خشونت این‌گونه تعریف می‌شود: هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان که با انگیزه آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه باشد» (مزاوهای، ۱۳۸۳، ۳). خشونت مفهومی چندبعدی است که می‌توان آن را به دو دسته اصلی کلامی و غیرکلامی تقسیم کرد. خشونت غیرکلامی شامل انواع خشونت‌های جسمی، جنسی، روانی، اقتصادی و خانگی می‌شود؛ در حالی که خشونت کلامی، به رفتارهایی نظیر توهین، تهدید، افترا، تحقیر، تهمت و سایر اشکال گفتار آزاردهنده اطلاق می‌شود (فیروزی، ۱۳۸۸، ص. ۲). خشونت کلامی می‌تواند به صورت مستقیم موجب آسیب‌های روانی و عاطفی گردد و گاه در قالب ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای مانند طنز تحقیرآمیز یا کلیشه‌سازی‌های جنسیتی ظاهر شود. یکی از مصادیق بارز خشونت کلامی، نفرت‌پراکنی است. با این حال، نباید این دو مفهوم را یکی دانست؛ چرا که نفرت‌پراکنی تنها بخشی از طیف گسترده خشونت گفتاری را تشکیل می‌دهد (مقیمی، خانیکی و سلطانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۱). به‌ویژه در فضای مجازی، خشونت کلامی به واسطه سهولت نشر و گستردگی دسترسی، به سرعت گسترش می‌یابد و آثار مخربی بر سلامت روانی و اجتماعی افراد، به‌ویژه زنان، برجای می‌گذارد.

در حوزه تحلیل‌های حقوقی، خشونت منحصر به کنش‌های فیزیکی آسیب‌زا نیست بلکه اشکال ساختاری، روانی، کلامی و جنسی را نیز دربرمی‌گیرد. از این منظر، نفرت‌پراکنی

می‌تواند به صورت غیرمستقیم نقش مؤثری در تولید و مشروع‌سازی خشونت، به‌ویژه علیه گروه‌های در حاشیه، ایفا کند. در مواردی که این گفتارها به تحریک مخاطبان برای اقدامات خشن یا توهین‌آمیز منجر می‌شود، مسئله جنبه کیفری یافته و مستعد مداخله قانونی است (انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۲).

در نهایت، گفتارهای مملو از تحقیر، تهدید یا ترویج کلیشه‌های مخرب، در صورت نفوذ در فضای عمومی یا حریم خصوصی افراد، می‌توانند منجر به بروز ترس، اضطراب، خودسانسوری یا حذف اجتماعی شوند و از منظر حقوقی در زمره مصادیق جرایم کلامی یا تحریک به خشونت قرار گیرند (انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۴).

۱-۳. فضای مجازی

فضای مجازی به عنوان بستری نوین برای تعاملات اجتماعی و انتشار اطلاعات، دربردارنده محیطی است که به واسطه فناوری‌های رایانه‌ای و شبکه‌ای ایجاد شده و با حذف مرزهای زمانی و مکانی، بستر مناسبی برای گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد. به عبارتی، این فضا نوعی فضای میان‌فردی غیرمادی است که ظرفیت بازتولید هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، و هم زمان امکان گسترش گفتارهای افراطی و خشونت‌زا را نیز داراست (انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۹۵).

در سال‌های اخیر، فضای مجازی به یکی از مهم‌ترین بسترهای نفرت‌پراکنی و خشونت کلامی تبدیل شده است. ویژگی‌هایی چون دسترسی آسان، ناشناس بودن کاربران و قابلیت انتشار بی‌مرز محتوا، موجب شده تا این محیط، بستری مستعد برای بروز اشکال مختلف خشونت روانی و کلامی به‌ویژه علیه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، باشد. کاربران می‌توانند بدون نظارت مؤثر، محتوای تهدیدآمیز یا تحقیرآمیز را منتشر کرده و موجبات صدمات روانی و حذف اجتماعی افراد را فراهم آورند (انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۵).

از منظر فنی، فضای مجازی شبکه‌ای متشکل از سامانه‌های رایانه‌ای و ارتباطی است که امکان شبیه‌سازی واقعیت‌های اجتماعی را با بهره‌گیری از جلوه‌های سمعی و بصری فراهم می‌سازد. مهم‌ترین ویژگی این فضا، بی‌مکانی و بی‌زمانی آن است، به گونه‌ای که کاربران بدون محدودیت جغرافیایی و زمانی می‌توانند تعامل کنند (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۲).

در بُعد اجتماعی، این فضا به‌مثابه محیطی تعاملی، مرزهای سنتی روابط انسانی را بازتعریف کرده است. فضای مجازی نه‌تنها امکان برقراری ارتباط سریع و گسترده را فراهم می‌کند بلکه بر نگرش‌ها، کنش‌ها و هویت اجتماعی کاربران نیز تأثیر می‌گذارد (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۷۹).

سیاست‌گذاری کیفی در قبال گفتارهای خشونت‌آمیز در فضای مجازی، با چالش‌هایی مانند تعیین مصادیق دقیق «تحریک به خشونت» و تفکیک آن از آزادی بیان روبه‌روست، از این رو تدوین و اجرای مقررات در این حوزه باید با دقت، حساسیت و هم‌سویی با اصول حقوق بشر انجام شود (انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۶). در این پژوهش، تمرکز اصلی بر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های برخط نظیر تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و واتساپ است؛ زیرا این فضاها محل اصلی نشر گفتارهای نفرت‌زا و خشونت کلامی علیه زنان به‌شمار می‌روند. در چنین محیط‌هایی، کاربران با انتشار پیام‌های توهین‌آمیز، تهدیدکننده یا جنسیت‌زده، بستر مناسبی برای آسیب‌رسانی به موقعیت اجتماعی و روانی زنان ایجاد می‌کنند (تقی‌آبادی و تقی‌آبادی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۷)؛ برای نمونه، می‌توان به مواردی چون حملات سایبری به زنان خبرنگار، فعالان حقوق بشر، و همچنین انتشار ویدئوها یا مطالب نفرت‌انگیز علیه زنان در محیط‌های مجازی اشاره کرد که همگی مصادیق روشن خشونت کلامی و روانی هستند (تقی‌آبادی و تقی‌آبادی، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۲).

۲. مبانی حقوقی و قانونی

نظام حقوقی ایران به‌طور صریح گزاره قانونی درباره منع نفرت‌پراکنی ارائه نداده است، با این حال با توجه به اهمیت موضوع لازم است مبانی حقوقی و قانونی موجود بررسی شود تا بر اساس توان بالقوه برای مدیریت حقوقی موضوع اقدام نمود.

۲-۱. مبانی حقوقی

با مطالعه در نظام حقوقی ایران روشن می‌شود که علی‌رغم عدم تصریح مستقیم قوانین به موضوع نفرت‌پراکنی به نظر می‌رسد مبانی متعددی وجود دارد که می‌توان به‌عنوان چهارچوب نظری برای مقابله با این پدیده از آنها بهره برد. از آن جمله، اصل کرامت انسانی

است. کرامت انسانی به‌عنوان مفهومی بنیادین در حقوق بشر، به ارزش و منزلت ذاتی هر فرد اشاره و تأکید می‌کند که هر انسان صرف‌نظر از ویژگی‌های خاص خود تنها به دلیل انسان بودن، شایسته احترام و برخورداری از حقوق برابر است؛ بنابراین، حفظ کرامت انسانی مقابله با نفرت‌پراکنی را ضروری می‌سازد. این امر نیازمند تدابیر حقوقی و اجتماعی جدی است تا از تحقیر و تعرض کرامت انسانی جلوگیری شود (خدایی، ۱۴۰۱، ص. ۵).

به‌علاوه، «تحکیم بنیان خانواده» است که در نظام حقوقی ما به‌عنوان یکی از مبانی اساسی قوانین در حوزه زنان و خانواده شناخته می‌شود. تحکیم خانواده، به معنای تقویت روابط خانوادگی و استحکام ساختار خانواده است که در آن هر عضو به‌ویژه زنان، نقش‌های حیاتی همچون مادری و تربیت نسل‌های آینده را ایفا می‌کنند و از آنجاکه هرگونه تهدید یا تضعیف آنها می‌تواند آسیب‌های جدی به بنیاد خانواده و به‌التبع آن به جامعه وارد کند، تحکیم خانواده اقتضا می‌کند در برابر نفرت‌پراکنی علیه جایگاه زنان مورد حساسیت نظام حقوقی قرار گیرد.

به دلیل اهمیت این مبانی نظری، نظام حقوقی و حکومت موظفند با اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی، نظیر جرم‌انگاری رفتارهای مخرب، وضع قوانین حمایتی و اجرای سیاست‌های بازدارنده، از حقوق زنان و کرامت انسانی آنان دفاع کنند. تأکید بر حفظ این کرامت، در اسناد داخلی و بین‌المللی و اعلامیه‌های حقوق بشر نشان می‌دهد که دولت‌ها موظف به حفاظت و حمایت از آن هستند (خوئینی و ملک‌شاه، ۱۳۹۷، ص. ۱۷).

نظام حقوقی ایران نیز باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و اجرایی خود به‌ویژه در فضای مجازی با نفرت‌پراکنی علیه زنان مقابله کرده و از کرامت انسانی آنان به‌طور مؤثر محافظت کند. کرامت انسانی زنان به‌ویژه در نقش‌های مادری، همسری و نقش‌های اجتماعی آنها برجسته است. این نقش‌ها، نه‌تنها در پیشبرد فردی و خانوادگی اهمیت دارند بلکه پایه‌های ساختار اجتماعی و تحکیم خانواده را تقویت می‌کنند. نفرت‌پراکنی علیه زنان، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم موجب تحقیر این نقش‌های کلیدی و تضعیف منزلت انسانی زنان می‌شود. به‌ویژه هنگامی که این نفرت‌پراکنی، نقش مادری را کم‌ارزش جلوه داده یا زنان را از ایفای این مسئولیت‌ها بیزار کند، به‌تدریج پیامدهای جبران‌ناپذیری بر

بنیان خانواده و جامعه خواهد داشت (خدایی، ۱۴۰۱، ص. ۴).

به‌علاوه سخنان نفرت‌زا باعث ورود ضرر به حیثیت، کرامت و آرامش روانی افراد به‌ویژه زنان می‌شود و می‌تواند ساختارهای اجتماعی را متأثر کند. به موجب قاعده لاضرر که بر منع هرگونه آسیب و زیان به دیگران تأکید دارد، این‌گونه گفتارها باید از منظر حقوقی و اخلاقی ممنوع و با اقدامات بازدارنده کنترل شود. «ضرر» در اصطلاح حقوقی به معنای وارد آمدن آسیب به مال، جان یا آبرو است و در آموزه‌های فقهی امامیه، معمولاً در تقابل با «نفع» مطرح می‌شود. این قاعده که ریشه در متون دینی و فقهی دارد در آیات و روایات معتبر به‌وضوح بر نفی ضرر از افراد تأکید دارد (تبریزی خیابو، ۱۴۰۱، ص. ۱). در بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر «عدم جواز سوءاستفاده از حق» که منبعی برای ایجاد ضرر است، مورد پذیرش قرار گرفته و به‌طور خاص در اصل ۴۰^۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. در زمینه حقوق خانواده، مواد ۱۰۲۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی نشان‌دهنده حاکمیت قاعده «لاضرر» و نفی عسر و حرج است. این مواد به‌عنوان موانعی در برابر ایراد ضرر به زوجه عمل می‌کنند.

قاعده لاضرر و منع سوءاستفاده از حق در موضوع پژوهش هم قابل استفاده است. کسی نمی‌تواند به بهانه آزادی بیان مطالبی را اظهار کند که آرامش جامعه و افراد دیگر را

۳. اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

۴. ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی: «هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالثر باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند. در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق می‌دهد».

۵. ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه».

۶. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی «در صورتی‌که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود».

از بین ببرد و لازم است نظام حقوقی با این‌گونه سوءاستفاده‌ها مقابله نماید.

۲-۲. مبانی قانونی

منظور از مبانی قانونی مجموعه‌ای از قوانین مدون و مصوب است که به‌طور رسمی توسط قانون‌گذار وضع شده و لازم‌الاجرا هستند؛ مانند قانون اساسی، قوانین عادی و آیین‌نامه‌های اجرایی. بر اساس مبانی قانونی که در ادامه خواهد آمد، ضرورت مداخله نظام حقوقی در موضوع مورد بحث تأیید می‌شود.

به نظر می‌رسد هر چند که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران به‌طور مستقیم و صریح در زمینه ممنوعیت نفرت‌پراکنی‌های مجازی، قانونی تدوین نکرده است؛ اما با استناد به سایر قوانین موجود و نیز سیاست‌های کلان کشور می‌توان اقدامات لازم برای ممانعت از انتشار سخنان نفرت‌زا را انجام داد. در این بخش، نمونه‌هایی از قوانین و سیاست‌های کلی نظام بررسی می‌شود.

شایان ذکر است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به حقوق زنان و خانواده دارد. اصل ۱۰ قانون اساسی، خانواده را واحد بنیادین جامعه اسلامی دانسته و تمامی قوانین و مقررات را در راستای تسهیل تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و تحکیم آن قرار داده است. اصل ۲۱ قانون اساسی نیز دولت را موظف می‌کند که تمامی جنبه‌های حقوق زنان را با دقت در موازین اسلامی رعایت کند و زمینه‌های لازم برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم آورد. همچنین، این اصل بر حمایت از مادران، به‌ویژه مادران باردار و در دوران حضانت فرزند، تأکید دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده، بر اهمیت تحکیم این نهاد بنیادین در جامعه اسلامی تأکید کرده‌اند. ایشان با تأکید بر نقش محوری «خانواده» در قوانین، خواستار الگوسازی اسلامی برای خانواده همچون «الگوی سوم زن مسلمان» شده‌اند. این الگو نشان‌دهنده تغییر زن مسلمان از یک زن خانه‌نشین شرقی یا یک زن مصرفی غربی به زنی است که در کنار ایفای نقش‌های سنتی خود مانند خانه‌داری، فرزندآوری و همسرمداری به‌عنوان یک زن فعال اجتماعی نیز حضور دارد. بند ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده بر حمایت از عزت و کرامت نقش‌های همسری، مادری و

خانه‌داری زنان تأکید کرده است. همچنین، بند ۱۳ به آسیب‌های اجتماعی و عوامل فروپاشی خانواده پرداخته و بر ضرورت پیشگیری از این آسیب‌ها و جبران پیامدهای آن تأکید دارد. منشور حقوق شهروندی به‌عنوان یک منبع سیاست‌گذاری مهم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا حقوق شهروندان را فارغ از جنسیت در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌طور یکسان و برابر تضمین کند. در این راستا، مواد ۱۰ و ۵۴ منشور حقوق شهروندی به‌طور ویژه به حقوق زنان پرداخته و حمایت‌های لازم را در این زمینه ارائه می‌دهند. این مواد به‌صراحت بر منع خشونت علیه زنان و کودکان تأکید کرده و هرگونه اقدام نقض‌کننده این حقوق را قابل پیگرد قضائی دانسته‌اند.

منشور حقوق و تکالیف زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ویژه‌ای برای زنان قائل شده است. این منشور با تأکید بر دیدگاه‌های اسلامی و فرهنگی کشور، حقوق زنان را در عرصه‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی تعریف کرده و به‌طور خاص به مصونیت زنان از ضررهای مادی و معنوی اشاره دارد. بر اساس بند ۱۱ این منشور، هرگونه آسیب به زنان از جمله توهین و تحقیر، قابل پیگرد قانونی است. از این رو در صورتی که این آسیب‌ها ناشی از نفرت‌پراکنی باشند، باید متناسب با آنها خسارات وارده جبران گردد.

علاوه بر اسناد بالادستی، در قانون مجازات برای مقابله با جرایم توهین‌آمیز مانند افترا و نشر اکاذیب قانون‌گذاری شده است. در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، هرگونه توهین به افراد از جمله فحاشی، به‌طور قانونی مجازات می‌شود. همچنین، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، زیان‌های معنوی ناشی از توهین‌ها و تهدیدات را مورد توجه قرار داده و امکان مطالبه جبران خسارات مادی و معنوی را برای شاکیان فراهم می‌آورد. لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» به‌طور خاص به پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز و حمایت از حقوق زنان پرداخته است. این لایحه دستگاه‌های اجرایی را ملزم به تأمین امنیت زنان و ارتقای آگاهی عمومی در این زمینه می‌کند و پیش‌بینی می‌شود با تصویب قوانین جدید امکان مقابله مؤثر با این نوع رفتارها فراهم گردد.

۳- راهبردهای حقوقی پیشگیری از نفرت‌پراکنی علیه زنان

راهبردهای حقوقی پیشگیری از نفرت‌پراکنی علیه زنان، شامل مجموعه‌ای از تدابیر قانونی، سیاست‌گذاری‌ها و سازوکارهای اجرایی است که با هدف مقابله با گسترش گفتارهای تحقیرآمیز و خشونت‌زای کلامی طراحی می‌شوند. این راهبردهای حقوقی تلاش دارند از طریق تکیه بر کلیات مسئولیت مدنی، جرم‌انگاری، وضع قوانین حمایتی و اجرای سیاست‌های بازدارنده محیطی ایمن و عاری از تبعیض برای زنان ایجاد کنند.

۳-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی مفهومی قانونی است که رسالت آن در نظام حقوقی، جبران خسارت‌های وارد شده به افراد یا حقوق آنها در برابر دیگران است. این نوع مسئولیت در صورت آسیب به اموال، ابدان و روان و حقوق شخصی مانند آزادی، حیثیت یا مال فرد به وجود می‌آید. به عبارت دیگر اگر فردی به طور عمدی یا سهوی به حقوق شخص دیگری آسیب وارد کند، باید خسارت وارد شده را جبران نماید. در قانون ایران، *قانون مسئولیت مدنی* مصوب ۱۳۳۹ این فرایند را به طور شفاف بیان کرده است و بر لزوم جبران خسارت ناشی از آسیب‌های مادی و معنوی تأکید دارد. در قانون فوق، مواد ۱، ۲ و ۷^۷ به ویژه جبران

۷. ماده ۱- هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده ۲- در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. ماده ۷- کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد.

خسارت‌های معنوی را پیش‌بینی کرده‌اند و این امر نشان‌دهنده آن است که آسیب به حیثیت یا حقوق فرد باید قابل پیگیری و جبران باشد.

برای تحقق مسئولیت مدنی اثبات سه رکن اساسی ضروری است. نخست: وجود فعل زیان‌بار باید مشخص شود. در این زمینه انتشار سخنان تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز در فضای مجازی به‌عنوان فعل زیان‌بار شناخته می‌شود؛ زیرا این اقدامات به‌طور مستقیم کرامت انسانی و حیثیت اجتماعی زنان و درحقیقت، آرامش روانی ایشان را هدف قرار می‌دهد. دومین رکن، ورود ضرر است که می‌تواند شامل آسیب‌های روانی، کاهش جایگاه اجتماعی، خدشه به حیثیت حرفه‌ای یا حتی زیان‌های اقتصادی نیز باشد. این ضررها باید واقعی و قابل اندازه‌گیری باشند و نشان دهند که رفتار نفرت‌پراکنانه چه پیامدهای مشخصی برای قربانی داشته است. درنهایت، رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و ضرر وارد شده باید اثبات شود (ملکوتی، ۱۴۰۱، ص. ۱۷۱). این رابطه نشان می‌دهد که برای مثال آسیب‌های وارده به‌طور مستقیم ناشی از محتوای نفرت‌زا بوده است؛ به‌عنوان مثال، اگر انتشار سخنان توهین‌آمیز در شبکه‌های اجتماعی منجر به تخریب وجهه اجتماعی یا آسیب روانی مشخصی شده باشد، رابطه سببیت محرز خواهد شد (خداخواه، ۱۳۹۶، ص. ۱).

در زمینه نفرت‌پراکنی‌ها در فضای مجازی، می‌توان با استناد به قانون مسئولیت مدنی و جبران خسارت‌های معنوی از سخنان توهین‌آمیز یا آسیب‌زننده به حیثیت و کرامت فرد جلوگیری کرد. بر اساس این قانون، فردی که اقدام به آسیب رساندن به حیثیت یا آبروی دیگری می‌کند، باید خسارت وارد شده را جبران نماید. این جبران خسارت می‌تواند شامل پرداخت غرامت مالی و یا اعمالی نظیر عذرخواهی باشد.

بر اساس ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، حتی اگر فردی مرتکب عمل توهین‌آمیز یا فحاشی شود و این عمل موجب حد قذف نشود، قانون برای آن مجازات‌هایی نظیر شلاق یا جزای نقدی در نظر گرفته است. در این راستا آسیب‌های معنوی که در نتیجه نفرت‌پراکنی‌ها به افراد وارد می‌شود، می‌تواند مشمول جبران خسارت قرار گیرد.

در مجموع، مسئولیت مدنی نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای جبران آسیب‌ها عمل می‌کند بلکه به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه نیز می‌تواند از گسترش رفتارهای آسیب‌زننده به حیثیت و

کرامت انسان‌ها در فضای مجازی جلوگیری نماید.

۲-۳. جرم‌انگاری

سیاست مداخله کیفری در حوزه خانواده، امروزه به‌طور گسترده‌ای در قوانین مختلف پذیرفته شده و در حال اجرایی شدن است. این سیاست به‌ویژه در راستای مقابله با رفتارهایی که تهدیدی برای بنیان خانواده‌ها به‌شمار می‌رود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جرم‌انگاری به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی در حقوق جزا به‌کار می‌رود تا بتوان رفتارهای نادرست یا مجرمانه را شناسایی و ارزیابی کرد و در نتیجه ضمانت‌های قانونی برای مقابله با آنها ایجاد نمود (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۵). جرم‌انگاری به‌ویژه در مسائلی که مستقیماً به هنجارهای اجتماعی و ساختار خانواده‌ها آسیب می‌زنند، به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بحران‌های اجتماعی و آسیب‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند.

زنان به‌عنوان اعضای آسیب‌پذیرتر در ساختار خانواده و جامعه همواره در معرض تهدیدات مختلف هستند. زنان در نقش‌های متفاوت خود در خانواده اعم از همسر، مادر و دختر، نقش حیاتی و مؤثری ایفا می‌کنند. به‌طور خاص در خانواده ایرانی، زنان نه تنها مسئول تربیت نسل آینده هستند بلکه نقشی اساسی در توازن و استحکام خانواده ایفا می‌کنند. هرگونه تهدید و آسیب به این نهاد، به‌ویژه آسیب‌های معنوی می‌تواند عواقب اجتماعی و فرهنگی عمیقی داشته باشد که بر تمامی ساختار اجتماعی اثرگذار است (نوبهار، ۱۳۹۰، ص. ۹۴). یکی از مزایای این سیاست قانونی، افزایش آگاهی عمومی در مورد حقوق معنوی افراد است. به‌ویژه در مواجهه با نشر مطالب نفرت‌آمیز در فضای مجازی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای مقابله با افرادی که به‌طور عمدی یا سهوی به حیثیت و آبروی دیگران آسیب می‌زنند، استفاده شود.

در راستای منع نفرت‌پراکنی علیه زنان، سیاست کیفری و جرم‌انگاری نقش مهمی ایفا می‌کند. در نظام حقوقی اگرچه مسئولیت مدنی می‌تواند به جبران خسارت‌های وارد شده بپردازد؛ اما برخی رفتارها نیاز به مجازات کیفری دارند تا به‌طور مؤثرتری از وقوع آنها پیشگیری شود. از این رو قانون‌گذار می‌تواند اقداماتی همچون جرم‌انگاری سخنان نفرت‌زا

علیه زنان در فضای مجازی را در نظر بگیرد. جرم‌انگاری چنین رفتارهایی به این معناست که فردی که اقدام به نشر محتوای نفرت‌زا، تهدیدآمیز یا توهین‌آمیز علیه زنان می‌کند، مشمول مجازات‌های کیفری مانند جریمه مالی، حبس یا دیگر تنبیهات قانونی شود. این اقدامات علاوه بر مجازات مرتکبان، به‌عنوان ابزار بازدارنده عمل می‌کنند و می‌توانند از وقوع جرایم مشابه در آینده جلوگیری کنند. به‌عبارت‌دیگر، جرم‌انگاری نفرت‌پراکنی علیه زنان به‌ویژه در فضای مجازی به‌عنوان یک سیاست کیفری می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی، روانی و حتی فیزیکی ناشی از چنین رفتارهایی کمک کند و از کرامت انسانی زنان در برابر این نوع خشونت‌های کلامی محافظت نماید (نوبهار، ۱۳۹۰، ص. ۹۷).

نفرت‌پراکنی به‌ویژه در فضای مجازی، یکی از عمده‌ترین تهدیدات علیه شخصیت و حیثیت معنوی افراد به‌شمار می‌رود. جرم‌انگاری نفرت‌پراکنی و انتشار سخنان تهدیدآمیز علیه زنان از بروز بحران‌های اجتماعی و فروپاشی خانواده‌ها جلوگیری می‌کند. این رویکرد قانونی می‌تواند به‌طور مؤثر از آسیب‌پذیری‌های اجتماعی محافظت کرده و بستر مناسبی برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی فراهم آورد.

۴. راهبردهای حکومتی

همان‌طور که فضای واقعی نیازمند قوانین و ضمانت اجرای قوی و پایدار است، فضای مجازی نیز که به‌طور مستمر گسترش می‌یابد، باید تحت نظارت دقیق و مدون قرار گیرد. در این فضا انواع مختلفی از رفتارهای مضر مانند نفرت‌پراکنی، آزارهای روحی و روانی، فحاشی و توهین‌ها به زنان مشاهده می‌شود که برخی از این موارد به‌ویژه علیه زنان و جایگاه آنان در خانواده صورت می‌گیرد. به‌طور خاص، نفرت‌پراکنی‌های مجازی می‌تواند شامل حمله به نقش‌های مادری و همسری زنان باشد؛ مانند توهین به تصمیمات آنها در خصوص تربیت فرزندان یا انتقادهای منفی به نقش آنان در خانه‌داری و مراقبت از خانواده. این نوع رفتارها نه‌تنها کرامت زنان را خدشه‌دار می‌کند بلکه به‌تدریج تأثیرات منفی بر جایگاه اجتماعی و روانی آنان خواهد گذاشت (محبی، ۱۳۸۰، ص. ۴). مقابله با این معضلات نیازمند اقدامات قانونی است؛ زیرا بدون اعمال چنین تدابیری، کنترل این آسیب‌ها غیرممکن خواهد بود. این وضعیت نه‌تنها سلامت روانی افراد را تهدید می‌کند بلکه موجب سلب حقوق

انسانی آنها نیز می‌شود؛ برای مثال، نفرت‌پراکنی در فضای مجازی علیه زنان که به‌ویژه در مورد نقش‌های مادری و همسری آنها صورت می‌گیرد، می‌تواند احساس بی‌ارزشی و افسردگی را در فرد ایجاد کند. این نوع حملات نه تنها به سلامت روانی آسیب می‌زند بلکه زنان را از حق برخورداری از یک فضای امن برای ابراز نظرها و انتخاب‌های شخصی خود محروم می‌سازد که این خود نقض حقوق انسانی آنان است. با توجه به اهمیت ویژه‌ای که جمهوری اسلامی ایران برای حقوق زنان قائل است، مقررگذاری در این زمینه نه تنها به حفظ حقوق افراد کمک می‌کند بلکه در راستای حفظ و تقویت نهاد خانواده نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ بنابراین، دولت‌ها باید با استفاده از راهبردهای کارآمد و تدابیر قانونی مستمر از حقوق شهروندان، به‌ویژه زنان، در این عرصه محافظت کنند.

۴-۱. سیاست‌گذاری پیشگیرانه

در مسیر توسعه فضای مجازی، برنامه‌ریزی مداوم و هماهنگی بین‌بخشی جهت محافظت از آسیب‌های احتمالی فضای مجازی، امری غیرقابل اجتناب است. این فضا نه تنها بستری برای فرصت‌هاست بلکه بدون مدیریت صحیح می‌تواند منشأ آسیب‌های گسترده اجتماعی و فرهنگی باشد (رونقی، ۱۳۹۶، ص. ۳).

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به توسعه روزافزون فضای مجازی، تنظیم و تدوین اسناد راهبردی در این حوزه به‌ویژه برای تضمین امنیت و سلامت جامعه از جمله اولویت‌های مهم به‌شمار می‌رود. یکی از این اقدامات، تدوین سند راهبردی فضای مجازی است که در چهار بخش کلیدی شامل ارزش‌ها، چشم‌اندازها، اهداف و اقدامات کلان تنظیم شده است. این سند با همکاری نهادهای اصلی نظیر قوه قضائیه، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت اطلاعات، درصدد ایجاد فضایی امن و سالم برای همه عرصه‌ها، به‌ویژه حوزه خانواده است.

با توجه به نقش حیاتی زنان در خانواده و جامعه، مسائل مربوط به آنها در فضای مجازی باید یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری‌ها باشد. زن به‌عنوان محور اصلی نهاد خانواده، نه تنها به‌عنوان عضوی حساس و تأثیرگذار بلکه به‌عنوان فردی که از تغییرات محیطی بیشترین تأثیر را می‌پذیرد، نیازمند توجه ویژه در اسناد راهبردی فضای مجازی

است. چنین توجهی با ابلاغ و اجرای اسناد جامع و مؤثر، می‌تواند خانواده‌ها را از آسیب‌های ناشی از فضای مجازی محافظت کرده و این فضا را به بستری امن و مفید برای پیشرفت کشور و توسعه پایدار تبدیل کند.

۴-۲. وضع قوانین پیشگیرانه

مقصود از پیشگیری، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که قانون‌گذار با ارزیابی دقیق از وقوع احتمالی جرم و شناسایی خطرهای موجود به منظور جلوگیری از وقوع آن یا کاهش میزان آن اتخاذ می‌کند. این تدابیر، به‌ویژه در قالب قوانین پیشگیرانه، مستقل از قوانین کیفری و مجازات‌ها به‌طور ویژه طراحی شده‌اند (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۲۳). یکی از دغدغه‌های اساسی حقوق‌دانان و صاحب‌نظران در حوزه جرم‌شناسی، یافتن روش‌هایی است که می‌تواند به پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی کمک کند (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۲۴). اهمیت نقش مؤثر و کلیدی قانون‌گذار در پیشگیری از جرایم بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا از طریق تدوین و اجرای قوانین مناسب می‌توان تا حد زیادی از بروز رفتارهای مجرمانه جلوگیری کرد. ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و جرایم ممکن است به دلیل تدوین قوانین نادرست در گذشته باشد؛ اما با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی و استفاده از راهبردهای صحیح، امکان اصلاح و بهبود این قوانین وجود دارد. درحقیقت، تدوین و اجرای قوانین صحیح و پیشگیرانه می‌تواند تأثیرات عمیقی در تحول و بهبود وضعیت اجتماعی داشته باشد. به‌ویژه در زمینه پیشگیری از آسیب‌های متفاوتی از جمله نفرت‌پراکنی در فضای مجازی، قوانینی که در این حوزه تدوین می‌شوند نه‌تنها در دستگاه‌های اجرایی، قضائی، امنیتی و انتظامی اثرهای چشم‌گیری دارند بلکه به‌طور غیرمستقیم می‌توانند منجر به حذف عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم و بهینه‌سازی شخصیت اجتماعی افراد نیز شوند؛ بنابراین، ایجاد قوانین پیشگیرانه در زمینه آسیب‌های ناشی از نفرت‌پراکنی در فضای مجازی نه‌تنها می‌تواند به‌عنوان یک ابزار پیشگیری مؤثر حقوقی عمل کند بلکه تأثیرات قابل توجهی در پیشگیری اجتماعی و وضعی نیز خواهد داشت (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۲۴). درنهایت برای پیشگیری از نفرت‌پراکنی علیه زنان در فضای مجازی، پیشنهادات کاربردی شامل راه‌اندازی سامانه‌های گزارش‌دهی محتوای توهین‌آمیز و افزایش آگاهی عمومی از حقوق زنان وجود دارد. همچنین،

تصویب قوانین حمایتی و تشویق به فرهنگ گفت‌وگو و احترام متقابل می‌تواند به کاهش این رفتارها کمک کند.

۴-۲-۱. تنظیم‌گری

سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری دو عنصر کلیدی در مدیریت و حکمرانی فضاهای اجتماعی و دیجیتال هستند که به‌طور تنگاتنگ با هم مرتبط‌اند. سیاست‌گذاری، تعیین اهداف کلان و ارائه خطوط راهنمای کلی برای هدایت فعالیت‌ها را شامل می‌شود، و دولت‌ها وظیفه تدوین سیاست‌هایی را بر عهده دارند که منافع عمومی را حفظ کرده و چهارچوبی شفاف برای اجرا و نظارت ارائه دهند (مزینیان، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۶). تنظیم‌گری به‌عنوان سازوکار اجرایی، با استفاده از ابزارهایی مانند مقررات، قوانین و نهادهای نظارتی، این سیاست‌ها را به مرحله عمل درمی‌آورد. این فرایند در حوزه‌های مختلفی قابل اجراست و نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند. فضای مجازی، با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود از جمله گستردگی دسترسی و سرعت انتشار محتوا، به‌عنوان یکی از مهمترین حوزه‌های نیازمند تنظیم‌گری مطرح است. چالش‌هایی مانند نفرت‌پراکنی و انتشار اطلاعات نادرست در این فضا، ضرورت اعمال تنظیم‌گری دقیق‌تر را نمایان می‌سازد که می‌تواند شامل نظارت بر محتوای سکوها، برخط، تدوین استانداردهای تبلیغات و ایجاد قوانین برای حفاظت از حریم خصوصی کاربران باشد (هداوند و جم، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۶).

تنظیم‌گری، به‌عنوان یک اصل بنیادی در حکمرانی، شامل مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند است که به دولت‌ها امکان می‌دهد ضمن مدیریت بهینه منابع، بر اجرای سیاست‌ها نظارت کرده و اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌ها در چهارچوب منافع جمعی قرار دارند (امامیان و دیگران، ۱۳۹۷، صص. ۱-۲). این اقدامات می‌تواند شامل ایجاد نهادهای تنظیم‌گر، تدوین قوانین خاص و اتخاذ رویکردهایی برای انطباق با تغییرات محیطی و فناورانه باشد. دولت‌ها برای دستیابی به اهدافی مانند کنترل بهتر جامعه و ایجاد شرایط مطلوب، ناگزیر به اعمال سیاست‌ها و استفاده از ابزارهای متنوع حکمرانی هستند. میزان و نوع مداخله دولت‌ها در امور مختلف، به ظرفیت‌ها، ساختارهای اجتماعی و الزامات فرهنگی هر کشور بستگی دارد و این مداخلات با هدف حفظ

و حمایت از منافع عمومی صورت می‌گیرند (مزینانین، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۸).

با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و نفوذ فضای مجازی در جنبه‌های مختلف زندگی بشر، ضرورت اعمال حکمرانی تنظیم‌گرانه در این حوزه بیش‌ازپیش احساس می‌شود. سرعت انتشار محتوا، گستردگی دسترسی و تأثیرات عمیق فضای مجازی بر افکار عمومی، این فضا را به محیطی مستعد ایجاد مخاطرات اجتماعی مانند نفرت‌پراکنی تبدیل کرده است (مزینانین، ۱۴۰۰، ص. ۹۱). بنابراین، اعمال سیاست‌های نظارتی و تنظیم‌گری دقیق در فضای مجازی امری ضروری است. در پژوهش‌های مرتبط با این موضوع، استفاده از ابزارهای حکمرانی تنظیم‌گرانه نقش کلیدی دارد. این نوع حکمرانی، علاوه بر کمک به دولت‌ها در تضمین امنیت و انسجام اجتماعی در فضای دیجیتال، به کاربران اطمینان می‌دهد که حقوق و آزادی‌هایشان در محیطی امن حفظ می‌شود (مزینانین، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۷). در نتیجه، می‌توان گفت یک چهارچوب منسجم سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری برای حکمرانی مؤثر در فضاهای اجتماعی و دیجیتال بسیار ضروری است.

قانون خدمات دیجیتال اروپا (DSA) که در سال ۲۰۲۲ توسط اتحادیه اروپا تصویب شد، نمونه‌ای برجسته از تنظیم‌گری فضای دیجیتال است که با هدف حفاظت از کاربران و مدیریت محتوای برخط از جمله مقابله با نفرت‌پراکنی، تدوین شده است. این قانون سکوه‌های دیجیتال را ملزم می‌کند تا سیستم‌های گزارش‌دهی سریع برای محتوای غیرقانونی ایجاد کرده و فرایندهای مؤثری برای شناسایی و حذف چنین محتواهایی در نظر بگیرند. همچنین، شفافیت در الگوریتم‌ها، مسئولیت‌پذیری سکوها و کاهش خطرهای اجتماعی، از جمله نفرت‌پراکنی و اخبار کذب از اصول کلیدی این قانون است. با الزام سکوها به ارائه گزارش‌های دوره‌ای درباره اقدامات نظارتی و تعیین جریمه‌های سنگین برای عدم رعایت مقررات، این قانون به‌طور مؤثری امنیت فضای دیجیتال و حقوق کاربران را تضمین کرده و الگویی قابل‌توجه برای تنظیم‌گری در سایر کشورها به‌شمار می‌رود.

مصادیق مختلفی از تنظیم‌گری در این زمینه وجود دارند؛ برای نمونه، دولت‌ها می‌توانند با تدوین قوانین خاص در زمینه نظارت بر انتشار محتواهای مضر و نفرت‌زا به تنظیم‌گری در فضای مجازی بپردازند؛ به‌عنوان مثال، قوانینی مانند «قانون مقابله با نفرت‌پراکنی» در

کشورهای مختلف به‌طور خاص به مقابله با محتوای نفرت‌آمیز می‌پردازند. همچنین ایجاد نهادهای تنظیم‌گر مانند کمیسیون‌های نظارت بر رسانه‌ها یا هیئت‌های قانونی برای اعمال تحریم‌ها و جریمه‌ها در صورت انتشار محتوای مضر از دیگر اقدامات مهم در این زمینه به‌شمار می‌آید. از این‌رو اعمال سیاست‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه در زمینه پیشگیری از نفرت‌پراکنی در فضای مجازی می‌تواند شامل تدابیر متنوعی باشد. دولت‌ها باید با تدوین قوانین ویژه و ایجاد نهادهای تنظیم‌گر، بر انتشار محتوای مضر و نفرت‌زا نظارت کنند (امامیان و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۳). به این ترتیب، دولت می‌تواند نه تنها امنیت و انسجام اجتماعی را در فضای دیجیتال حفظ کند بلکه با اجرای سیاست‌های بازدارنده و جرم‌انگاری سخنان نفرت‌زا از بروز آسیب‌های اجتماعی و نقض حقوق زنان جلوگیری کند. همچنین، نظارت دقیق بر بخش‌های مختلف فضای مجازی و اتخاذ رویکردهای انطباقی با تغییرات فناورانه به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که حقوق کاربران را در یک فضای امن و به دور از تهدیدات اجتماعی محافظت کنند (هداوند و جم، ۱۴۰۰، ص ۲).

۲-۲-۴. فیلترینگ

توسعه اینترنت به‌عنوان برجسته‌ترین ویژگی عصر ارتباطات موجب تسهیل تعاملات بین کاربران و رشد فناوری‌های ارتباطی شده است. با این حال، این پیشرفت‌ها زمینه‌ساز بروز جرایم سایبری متعددی بوده‌اند که به‌ویژه زنان را به دلیل ویژگی‌های عاطفی و روانی، آسیب‌پذیرتر کرده‌اند (مشایخ و حاجی زاده، ۱۴۰۲، ص ۹۱). فیلترینگ به‌عنوان بخشی از تنظیم‌گری، ابزار دیگری است که در مدیریت محتوای برخط کاربرد دارد. این ابزار می‌تواند برای حفاظت از افراد بالخصوص زنان و کودکان در برابر محتوای نامناسب، حذف محتوای نفرت‌زا یا مقابله با تبلیغات گمراه‌کننده به‌کار گرفته شود؛ برای مثال، سکوه‌های پیام‌رسان باید ملزم شوند که از الگوریتم‌های هوشمند برای شناسایی و حذف محتوای مضر استفاده کنند. همچنین، در حوزه تبلیغات، در ایران مقررات مرتبط با فضای مجازی نظیر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشان‌دهنده تلاش برای اعمال چنین مقرراتی هستند؛ برای مثال، این شورا در سال ۱۳۸۰ با استناد به سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده بود، ضوابطی را برای

مدیریت این فضا تصویب کرد. این مصوبات شامل مجموعه‌ای از آیین‌نامه‌هاست که به محدودسازی آزادی بیان در فضای مجازی و نظارت بر محتوای آن پرداخته‌اند. این اقدام با محدود کردن دسترسی به محتوای غیراخلاقی و توهین‌آمیز، تلاش می‌کند از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری کند (رحمتی و شهریار، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۵). اگرچه فیلترینگ با مخالفت‌هایی از سوی کاربران خصوصاً با دیدگاه غیرضروری یا ناقض آزادی‌های فردی، روبه‌رو می‌شود؛ اما هدف اصلی آن حمایت از حقوق و کرامت انسانی است (رحمتی و شهریار، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۸).

این سیاست با رویکردی قاطعانه بر پیشگیری از تولید و انتشار محتوای نفرت‌آمیز متمرکز است و تلاش می‌کند شبکه‌های اجتماعی را از آزارهای سازمان‌دهی شده پاکسازی کند. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در اسناد مربوط به «پیشگیری و مقابله با قمار در فضای مجازی» مشاهده کرد که به‌طور مشابه به نظارت بر رفتارهای برخط و محافظت از کاربران در برابر آسیب‌ها پرداخته‌اند.

درنهایت، فیلترینگ به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری می‌تواند هم به بهبود محیط دیجیتال کمک کند و هم با کاهش خشونت‌های مجازی، نقش مثبتی در تأمین امنیت و کرامت انسانی در فضای سایبری ایفا نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعات و تحلیل‌های حقوقی انجام شده در این پژوهش بر اهمیت حیاتی نظام خانواده به‌عنوان هسته بنیادین جامعه ایرانی-اسلامی تأکید دارند. در این میان، توجه به کرامت و ارزش زن مسلمان ایرانی، به‌ویژه در برابر چالش‌های ناشی از فضای مجازی ضرورت جدی می‌یابد. خانواده به‌عنوان سنگ‌بنای جامعه بستر رشد، تربیت و آموزش فرد است و تقویت و حمایت از آن تضمین‌کننده سلامت و پویایی نظام اجتماعی محسوب می‌شود. بااین‌حال، آسیب‌هایی که از طریق فضای مجازی به خانواده وارد می‌شود، می‌تواند پیامدهای مخربی برای نظام اجتماعی داشته باشد.

فضای مجازی با رشد سریع خود امکان تعامل گسترده‌ای میان افراد فراهم کرده؛ اما این بستر به‌ویژه برای زنان که بخش مهمی از کاربران را تشکیل می‌دهند، می‌تواند منبع

تهدیدها و خشونت‌های مجازی باشد. این تهدیدها از جمله نفرت‌پراکنی‌های مجازی مستقیماً بر نقش زنان در خانواده و جامعه اثر گذاشته و به کرامت و عزت نفس آنان آسیب می‌رساند. سخنان نفرت‌زا که از طریق حملات کلامی یا تصویری منتشر می‌شوند نه تنها کرامت انسانی زنان را مخدوش می‌کنند بلکه با ایجاد آسیب‌های روحی و روانی خانواده و نظام اجتماعی را نیز دچار اختلال می‌کنند.

در این راستا ضرورت دارد که نفرت‌پراکنی مجازی در ایران به‌طور جدی جرم‌انگاری شود. این در حالی است که کشورهای مختلف در این زمینه قوانینی شفاف تدوین کرده‌اند؛ اما در ایران این اقدام هنوز اجرایی نشده است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی باید با وضع قوانین جامع و شفاف، ضمن کاهش انتشار سخنان آسیب‌زا، تدابیری برای جبران خسارت‌های معنوی و حفاظت از کرامت انسانی زنان ببیند.

علاوه بر این، برای مقابله با نفرت‌پراکنی و حفظ ارزش‌های انسانی، استفاده از ابزارهای تنظیم‌گری و فیلترینگ ضرورت دارد. اجرای فیلترینگ مطلوب و ایجاد نظام جامع تنظیم‌گری که مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی و اصل ۴۴ قانون اساسی باشد، می‌تواند به جلوگیری از انتشار محتوای نامناسب کمک کرده و کرامت و ارزش‌های زنان را در فضای مجازی حفظ کند. چنین رویکردی نه تنها گامی مؤثر در راستای حفاظت از حقوق زنان بلکه اقدامی اساسی برای تقویت انسجام و سلامت اجتماعی خواهد بود. در کنار این اقدامات لازم است از ظرفیت مسئولیت مدنی دست‌کم برای جبران خسارات ایجاد شده استفاده شود.

منابع

قرآن کریم

- امامیان، سیدمحمد صادق؛ ذوالفقاری، امیراحمد؛ محمدزاده، احسان و زمانیان، مرتضی (۱۳۹۷). نظام ملی تنظیم‌گری (مفهوم تنظیم‌گری و ارتباط آن با نظام حکمرانی)، ۱-۵۲.
- املائی، محمد و عباسی، محمد (۱۳۹۹). مقابله با نفرت‌پراکنی در نظام‌های حقوقی هند و پاکستان و ایران، دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز.

انصاری، باقر (۱۴۰۰). *آزادی بیان و جرایم تحریک در حقوق بین‌الملل*. تهران: شرکت سهامی. تیریزچی خیاوی، بهجت؛ محمدپور، آیت و فتائی، پوران (۱۴۰۱). *قاعده لاضرر و نقش آن در تحکیم حقوق خانواده، چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی تهران*.

تقی‌آبادی، مسعود و تقی‌آبادی، حمید (۱۴۰۰). *نفرت‌پراکنی‌های جنسیتی آنلاین در شبکه‌های اجتماعی مطالعه موردی: زن‌ستیزی کاربران ایرانی شبکه توئیتر*. پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۸، شماره ۲، (پیاپی ۱۰۶)، ۱۷۵-۲۰۹.

حسینی، سیدابراهیم (۱۳۹۸). *نقش قوانین در پیشگیری از جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی*. *دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، شماره ۲، ۲۳-۴۲.

خداخواه، نسیم (۱۳۹۶). *نقش اراده در عنصر روانی: احتمال وقوع نتیجه، اطلاع از نتیجه احتمالی و رضایت آگاهانه مجرم*. *همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری، دوره ۱۱، ۱-۳۸*. خدایی، حوریه (۱۴۰۱). *مؤلفه‌های کرامت زن در دین اسلام*. *همایش بین‌المللی حورا انسیه (س) زن، امنیت، خانواده در سایه الگوگیری از شخصیت برجسته تراز اول اسلام حضرت زهرا سلام الله*.

خوئینی، غفور و ملک‌شاه، آرزو (۱۳۹۷). *کرامت زن از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)*. *فصلنامه الهیات قرآنی*، شماره ۱۰، ۷۷-۹۴.

رحمتی، حسینعلی و شهریاری، حمید (۱۳۹۶). *بایسته‌های اخلاقی فیلترینگ و پالایش محتوا در فضای مجازی*. *اخلاق و حیانی*، سال پنجم، شماره ۲، ۱۴۵-۱۶۸.

رونقی، مرضیه (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی فضای مجازی*. *کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی*.

سودمندی، عبدالمجید و مستقیمی قمی، بهرام (۱۳۹۰). *سخنان نفرت‌زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، سال پانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۲)، ۲۱-۴۲.

عباسی شوازی، محمدتقی؛ معینی، مهدی و پوردیان، روح‌الله (۱۳۹۷). *فضای مجازی، همنشینی و رفتارهای پرخطر: مطالعه رابطه همنشینی دانشجویان در فضای مجازی با رفتارهای*

پرخطر در فضای واقعی و مجازی. *انتظام اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳، ۷۷-۱۰۴.

- فیروزی، گلناز (۱۳۸۸). خشونت خانوادگی و رفتارهای خشونت‌آمیز علیه کودکان. پایگاه حوزه، ۱۳۸۸، شماره ۲۶۶.
- مشایخ، فرحناز و حاجی‌زاده، هانیه (۱۴۰۲). فرصت‌ها و آسیب‌های فضای مجازی. فصلنامه علمی تخصصی انگاره‌های نو در تحقیقات آموزشی، سال دوم، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۰.
- محبی، فاطمه (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی زنان (خشونت علیه زنان). مطالعات راهبردی زنان، دوره ۵، شماره ۱۴.
- مزینانیان، سعیده (۱۴۰۰). رویکردی نوین در تنظیم‌گری فضای مجازی. حقوق فناوری‌های نوین، دوره ۲، شماره ۳، ۲۹۷-۳۱۹.
- مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد (۱۳۹۷). مداخله کیفری در حوزه خانواده در پرتو مبانی شاخص جرم‌انگاری، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۲۳ (۶۹)، ۱۴۵-۱۷۲.
- مقیم، مریم؛ خانیکی، هادی و سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان مؤلفه‌های کلیدی نفرت‌پراکنی علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام. فصلنامه علمی زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۴، شماره ۲.
- ملکوتی، رسول (۱۴۰۱). بررسی ارکان تحقق مسئولیت مدنی در فضای سایبر. فصلنامه مطالعات حقوقی فضای مجازی، دوره ۱، شماره ۳، ۶۹-۷۹.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۰). اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری دوره جدید، بهار و تابستان، شماره ۱.
- هداوند، مهدی و جم، فرهاد (۱۴۰۰). مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی. فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۲، ۲۲۷-۲۶۶.
- هزاوه‌ای، محمدرضا (۱۳۸۳). معناشناسی خشونت. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳.